## جلسه 119-832

**چهار‌شنبه - 13/02/1402**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌الله الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بسم الله الرحمن الرحیم

بحث در صور عجز از انحناء تام در رکوع بود که حدودا 11 صورت می‌‌شود:

صورت اول این است که امر دائر است یا رکوع ناقص بکنیم در حال قیام که فاقد انحناء کامل هست، ولی صدق می‌‌کند رکوع، و یا ایماء بکنیم به رکوع.

چهار قول مطرح شد: مشهور گفتند رکوع در حال قیام بکن به مقداری هم که می‌‌توانی منحنی بشو. قول دوم که ما اختیار کردیم وفاقا للسید السیستانی، ‌گفتیم همین مقدار که منحنی بشوی که عرف بگوید رکعت کافی است، شما که نمی‌توانی انحناء تام بجا بیاوری زیاد به خودت فشار نیاور، همین مقدار خم بشو که عرف بگوید راکع. این‌که به مقدار ممکن منحنی بشوی لازم نیست چون عاجزی از انحناء واجب شرعی که دستانت به زانوانت برسد.

قول سوم قول صاحب جواهر و آقای خوئی بود می‌‌گفتند اصلا وظیفه تو ایماء است و لو رکوع عرفی ممکن است اما این رکوع فاقد شرط شرعی است، ‌دستانت به زانوانت نمی‌رسد و لو رکوع صادق است، رکوع نکن ایماء بکن به رکوع. که ما اشکال کردیم.

قول چهارم لزوم احتیاط هست؛ جمع کن بین رکوع ناقص قیامی و ایماء. آقای خوئی خودش در تعلیقه عروه همین را احتیاط کرده چون هم می‌‌خواهد نظر خودش که ایماء است رعایت بشود و هم نظر مشهور رعایت بشود، طبعا می‌‌گوید رکوع بکن و به مقدار ممکن هم منحنی بشو تا قول مشهور را رعایت کنی و یؤمی معه علی الاحوط، هم‌زمان ایماء هم بکن تا نظر ما را عمل کرده باشی، و قصد بکن امتثال اجمالی را، بگو خدایا! من این دو کار را کردم، ‌هرکدام وظیفه رکوعیه من است قصد امتثال آن را دارم.

و هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، مشکل زیاده هم پیش نمی‌آید. چرا؟ برای این‌که شما و لو نظر آقای خوئی این است که وظیفه‌ات ایماء است اما رکوع کردی با انحنائی که ممکن است ولی قصد رکوع منجزا نداشتی، رکوع لغوی کردی اما رکوع شرعی آنی است که به قصد رکوع، به قصد تعظیم باشد، شما این رکوع لغوی که می‌‌کنی، منحنی می‌‌شوی، و لو وظیفه‌ات نیست از نظر آقای خوئی، ولی شما اگر قصد داشتی که بگویی هذا رکوعی، می‌‌شد زیاده در نماز، نه، قصد اجمالی داری می‌‌گویی خدایا! من یک کاری می‌‌کنم اما قصد من این است که آن‌چه که وظیفه من هست در رکوع همان انجام بشود، و فی علم الله آقای خوئی می‌‌گوید وظیفه تو ایماء است، پس این خم‌ شدنت یک خم شدن تکوینی است، مثل این‌که شما بعد از قیام از رکوع هم خم می‌‌شوید می‌‌روید سجود، او که دیگر رکوع نیست، انحناء تکوینی است.

[سؤال: ... جواب:] خوب دقت کنید! توضیح بدهم: یک وقت شما این‌طور احتیاط می‌‌کنید، ایماء می‌‌کنید به رکوع بعدش هم می‌‌گویید شاید قول مشهور درست باشد بگذار احتیاط بکنم، حالا یک نماز دیگر اگر بخوانید که هیچ، ‌مشکل ندارد، ‌نه، ‌در همین نماز احتیاط بکنم، رکوع می‌‌کنم و منحنی می‌‌شوم به مقدار ممکن احتیاطا، آقای خوئی این را باطل می‌‌داند، چرا؟ برای این‌که آقای خوئی می‌‌گوید که روایت می‌‌گفت ان السجود زیادة فی المکتوبة و به فحوای عرفی گفتیم فالرکوع ایضا زیادة فی المکتوبة‌ و لو قصد جزئیت جزمیه نکنی اصلا قصد جزئیت نکنی چون موضوع ان السجود زیادة‌ فی المکتوبة‌ سجود تلاوت بود که انسان قصد جزئیت ندارد در نماز، ولی گفتند السجود زیادة‌ فی المکتوبة‌ به فحوی هم می‌‌گوییم الرکوع زیادة فی المکتوبة آقای خوئی این را زیاده می‌‌داند و لو قصد جزئیت نکنی. ... زیاده رکوع عرفی از نظر آقای خوئی و لو سهوا مبطل نماز است. تصریح می‌‌کند آقای خوئی می‌‌گوید من نقیصه رکوع شرعی را مبطل نماز می‌‌دانم اما در زیاده مبطله زیاده رکوع عرفی هم مبطل نماز است. حالا بیانش چیست، عمده بیانش این است که می‌‌گوید ان السجود زیادة فی المکتوبة‌ که منطبق بر سجود تلاوت است، سجود تلاوت که سجود شرعی در نماز نیست اصلا شرائط سجود نماز را ندارد، ‌بیانش این است. بهرحال تصریح می‌‌کند می‌‌گوید زیاده رکوع عرفی مبطل است.و لذا اگر ایماء‌ بکنی به رکوع بعد بگویی احتیاطا قول مشهور را هم احتیاط کنم عمل کنم رکوع عرفی بکنی با انحناء به مقدار ممکن، آقای خوئی می‌‌گوید این نمازت باطل است. می‌‌گوییم شما گفتی یرکع و ینحنی بالمقدار الممکن و یؤمی معه ایضا علی الاحوط، ‌آقای خوئی می‌‌گوید این را که نگفتم، شما این‌جا قصد رکوع داری و به نظر من این رکوع ماموربه نیست می‌‌شود زیاده در رکوع عرفی و مبطل نماز است. من می‌‌گویم شما هم‌زمان منحنی بشو به مقدار ممکن که عرفا رکوع عرفی هم هست در این صورت اول این است و همراه با او ایماء‌ به رکوع هم بکن، ‌نیتت اجمالیه باشد یعنی بگو خدا آنی که رکوع مطلوب من است، ‌رکوع مطلوب از من است همان را قصد می‌‌کنم رکوع باشد حالا یا او ایماء ‌است، اگر او ایماء‌ است که آقای خوئی می‌‌گوید ایماء‌ است اصلا آن خم شدنت مورد قصد رکوع بودن تو نیست، شبیه خم شدن بعد از قیام از رکوع است که می‌‌روی به طرف سجود.

آقای زنجانی یک مطلبی دارند عرض کنم ببینیم آن مطلب ایشان این‌جا مطلب را دچار مشکل می‌‌کند یا نه؟ یک بحثی هست، مثال بزنم، شما در حال هوی الی السجود شک می‌‌کنید رکوع کردم نکردم، مسائل را هم استحضار دارید، می‌‌بینید که آقای سیستانی می‌‌گویند یبنی علی انه رکع، بعضی از آقایان می‌‌گویند یبنی علی انه لم یرکع، قاعده تجاوز جاری نیست، شما هم تا حالا سعی کردید احتیاط بکنید، حال هم ندارید نمازتان را تکرار کنید، می‌‌گویید یک کاری می‌‌خواهم بکنم در همین نماز، جمع کنم بین این دو نظر، چکار می‌‌کنید؟ بعضی از بزرگان در کلمات‌شان در مشابه این فرع یک راه حلی ارائه دارند، ظاهرا آقای حکیم هم دارد، ‌گفتند برگرد، بایست، به حالت رکوع برو، اما با این قصد که اگر من قبلا رکوع نکرده‌ام این رکوع من باشد، اگر من قبلا رکوع کرده‌ام من قصد نمی‌کنم این رکوع باشد، یک انحناء تکوینی است، و یک انحناء تکوینی در نماز مگر مبطل نماز است. عرض کردم شما وسط نماز می‌‌گویید الحمد لله رب العالمین، [الرحمن الرحیم] می‌‌بینی پولت روی زمین افتاده، می‌‌نشینی، پولت را بر می‌‌داری بلند می‌‌شوی می‌‌گویی مالک یوم الدین، اشکال دارد؟ نه، چرا؟‌ برای این‌که شما انحناء تکوینی داری، ‌انحناء تکوینی که رکوع نیست، رکوع انحناء به قصد تعظیم است.

[سؤال: ... جواب:] انحناء به قصد تعظیم که رکوع باشد، قصد جزئیت در نماز لازم نیست. ... می‌‌گوییم این راه حل در این فرع را دنبال کنیم ببینیم در مانحن‌فیه مشکل ایجاد می‌‌شود یا نه. ... حالا شما تصویر آقای خوئی را کار نداشته باشید این فرع را کار داشته باشید این آقا بر می‌‌گردد می‌‌گوید ان لم ارکع سابقا فاقصد بهذا الانحناء الرکوع الصلاتی و الا فلااقصد الرکوع.

مشابه هم دارد این. مثلا روز عید فطر رسمی برای شما شبهه است نکند امروز روز سی‌ام ماه رمضان است، بعضی‌ها می‌‌گویند روز عید فطر است و روز عید فطر هم صومش حرام ذاتی است، یعنی حرام تکلیفی است، بعضی‌ها هم که می‌‌گویند روز سی‌ام ماه رمضان است، واجب است صوم، آخه ما چه بکنیم، چه خاکی بر سرمان بریزیم، ‌حالا یا کثیر السفریم سفر رفتن‌مان برای ما فایده‌ای ندارد یا حال سفر نداریم پول سفر نداریم، ‌قصد تعلیقی بکنیم، ‌بگوییم خدایا! اگر امروز روز سی‌ام ماه رمضان است اقصد بهذا الامساک عن الاکل و الشرب الصوم، و الا فلااقصد الصوم، مگر هر امساکی صوم شرعی است، صوم شرعی در روز عید فطر حرام است و الا یک آقایی روز عید فطر رژیم گرفته مثل بقیه روزها، ‌کل روز را نه آب می‌‌خورد نه غذا می‌‌خورد قصد صوم ندارد او که اشکال ندارد، ‌قصد تعلیقی صوم، این یک راه حلی است که ممکن است ارائه بشود.

[سؤال: این امتثال ظنی در فرائض نیست؟ جواب:] آن اشکال دیگری است که جوابش در جای خودش داده شده.

بحث در این است که آقای زنجانی می‌‌گوید به نظر من همین قصد تعلیقی مصداق تنجیزی درست می‌‌کند برای عنوان، ‌همین که می‌‌گویی اگر قبلا رکوع نکردم این رکوع من باشد، اگر قبلا رکوع کردم این انحناء تکوینی باشد عرف به همین می‌‌گوید رکع، چون می‌‌گویند رکع پس می‌‌شود زیاده رکوع در نماز، این راه راه احتیاط نیست.

[سؤال: ... جواب:] به چه دلیل منصرف می‌‌داند؟ از رکوع ایمائی منصرف می‌‌داند. رکوع انحنائی یعنی آنی که لایصدق علیه الرکوع و الا گفت رکوع عرفی مصداق زیاده است تصریح می‌‌کند. صریحا می‌‌گوید رکوع عرفی زیاده است و لو واجد شرط شرعی نباشد. آنی که شما می‌‌گویید انحنایی است که لایصدق علیه الرکوع.

این فرمایش آقای زنجانی. حالا این فرمایش ممکن است ایراد داشته باشد ما هم ایراد گرفتیم گفتیم چرا تعلیق مشکل داشته باشد؟ شما یک پولی می‌‌دهید می‌‌گویید اگر من به تو مدیونم قصد می‌‌کنم اداء دین را اگر هم بعد می‌‌بینی مدیون نبودی پس می‌‌گیری از او می‌‌گویی من قصد تعلیقی کردم، یا این‌جور می‌‌گویی: اگر من دینم حال است به تو قصد می‌‌کنم اداء دین را، ‌بعد می‌‌روی می‌‌بینی یک سال وقت دارد دینش می‌‌گویی پول من را پس بده، ‌می گوید تو قصد اداء ‌دین کردی می‌‌گویی من قصد معلق بود که اگر دینم حال است قصد اداء دارم چه اشکال دارد تعلیق در عناوین قصدیه اشکال ندارد.

طبق آقای زنجانی حالا حساب کنیم، ‌ممکن است کسی بگوید این‌جا قصد تعلیقی دارد قصد دارد که اگر وظیفه من ایماء نیست وظیفه من انحناء است پس این انحناء من بشود رکوع ماموربه در نماز. این اشکال ممکن است طبق نظر آقای زنجانی پیش بیاید. البته آقای خوئی قصد تعلیقی این‌جا مطرح نکرده قصد اجمالی مطرح کرده گفته هم‌زمان هر دو تا کار را بکن هم‌زمان هم انحناء پیدا کن رکوع عرفی است منتها انحنائت تام نیست انحنائت به اندازه واجب شرعی نیست کمتر از آن است چون نمی‌توانی انحناء کامل بکنی هم‌زمان ایماء هم بکن به رکوع یک قصد اجمالی بکن بگو خدایا من قصد انجام وظیفه واقعیه‌ام را دارم که نتیجه این می‌‌شود اگر وظیفه واقعیه‌ات ایماء است اصلا قصد نداری که آن انحنائت رکوع باشد، قصد اجمالیت اصلا به او نمی‌خورد، ممکن است این‌جا امرش اسهل باشد از آن قصد تفصیلی تعلیقی در آن مثال که در حال هوی الی السجود شک می‌‌کند در رکوع آن‌جا قصد تفصیلی می‌‌کند رکوع را منتها معلقا می‌‌گوید اگر قبلا رکوع نکردم پس الان رکوع می‌‌کنم.

[سؤال: ... جواب:] قصد اجمالی مثل این می‌‌ماند که دو نفر جلوی شما هستند نمی‌دانی به کدام‌ها بدهکارید، ‌پول را می‌‌گذارید وسط می‌‌گویید قصد می‌‌کنم اداء دین را به طلبکار واقعی این می‌‌شود قصد اجمالی. قصد تعلیقی این است که یک نفر پیشت هست، پول را می‌‌گذاری جلوی او می‌‌گویی اگر من به تو بدهکارم قصد اداء دین به تو می‌‌کنم این می‌‌شود قصد تعلیقی. ... قصد تعظیم می‌‌کند در آنی که وظیفه‌اش هست. حالا اگر وظیفه‌اش ایماء است قصد تعظیم در او می‌‌کند اگر وظیفه‌اش انحناء است قصد تعظیم در او می‌‌کند، ‌آقای خوئی می‌‌گوید من به نظرم وظیفه‌ات ایماء‌ است پس قصد تعظیم در او کردی، قصد تعظیم در آن انحناء نکردی زیاده رکوع هم پیش نمی‌آید. ... اگر رکوع وظیفه‌اش قص تعظیم در او دارد. ... نیت اجمالیه با نیت تعلیقیه فرق می‌‌کند. آقای زنجانی هم در نیت تعلیقیه اشکال کرد. نیت اجمالی یعنی این‌که شما یک فرض معین فی علم الله را لحاظ می‌‌کنی و لو مردد پیش تو است او را قصد می‌‌کنی این قصد اجمالی است شاید این‌جا آقای زنجانی هم اشکال نکند.

[سؤال: ... جواب:] سؤال خوبی ایشان کرد. آقای خوئی نمی‌گوید رکوع عرفی بکن به قدر انحناء ممکن و یقصد انه ایماء احتیاطا، ‌این را نمی‌گوید، ‌می گوید و یؤمی معه، یعنی هم‌زمان با او ایماء ‌هم بکن، نه این‌که این رکوعت بگو اگر وظیفه‌ام ایماء است این رکوعم بشود مصداق ایماء، نخیر، ‌و یومی معه ایضا علی الاحوط.

قول چهارم احتیاط است به جمع بین ایماء و رکوع بالمقدار الممکن. آقای خوئی خودش هم عملا در فتوی همین قول چهارم را احتیاط کرد و لو نظر فقهی‌اش همان قول سوم بود. کلام در این است که اینی که قول رابع را انتخاب می‌‌کند اگر می‌‌خواهد احتیاط کند احتیاط واجب کند فدای سرش، به قول استاد ما مرحوم آقای تبریزی می‌‌گفتند چرا احتیاط کردید می‌‌گفت فتوی دادن که واجب نیست، یعنی خیلی لازم نیست منشأ خاصی داشته باشد احتیاط واجب اما اگر کسی فتوای به لزوم احتیاط بدهد، ‌این باید ناشی از علم اجمالی باشد، ‌بگوید یجب الجمع، ‌از باب فتوی به لزوم احتیاط، خوب دقت کنید در رساله‌ها گاهی می‌‌گوید الاحوط الجمع گاهی می‌‌گوید یجب الجمع. آن‌جا که می‌‌گویند یجب الجمع یا یجب الاحتیاط او فتوای به احتیاط است قابل رجوع به غیر نیست، مثلا یجب الاحتیاط بالاجتناب عن الانائین المشتبهین، یا اگر قبله مشتبه شد بین چهار جهت بعضی‌ها گفتند یجب الاحتیاط بالصلاة الی اربع جهات این قابل رجوع به غیر نیست این فتوای به احتیاط است، اما یک موقع می‌‌گویند الاحوط کذا او احتیاط در فتوی است.

این قول رابع اگر می‌‌خواهد احتیاط کند حرفی نیست ما با احتیاط مشکلی نداریم. اما اگر بخواهد فتوای به احتیاط بدهد اشکالش این است که این فتوی به احتیاط ناشی از علم اجمالی باید باشد علم اجمالی که منحل است آقا. ما که می‌‌گوییم منحل است می‌‌گوییم چون دلیل داریم بر لزوم رکوع عرفی، ‌آقای خوئی می‌‌گوید ما دلیل داریم بر لزوم ایماء. بله اگر کسی دید ادله متکافئ است و احتمال تخییر نداد آن مجبور است فتوی به احتیاط بدهد اما اگر ادله متکافئ بود ادله رکوع و ادله ایماء‌ متکافئ بود و احتمال تخییر بین این دو را می‌‌داد خب اصل برائت از تعین هرکدام نتیجه‌اش تخییر می‌‌شود.

این صورت اول. صورت دوم دوران امر است بین انحناء در حال قیام ولی عرفا به آن رکوع نمی‌گویند و بین ایماء الی الرکوع. این‌جا صاحب عروه همان حرف خودش را می‌‌زند می‌‌گوید یتعین الانحناء‌، اطلاق کلامش این است، ‌می گوید اگر انحناء ممکن است در حال قیام یجب الانحناء، اطلاق کلامش می‌‌گوید و لو صدق رکوع عرفی نکند. اما آقای سیستانی می‌‌گوید: نه، ‌تا صدق عرفی رکوع می‌‌کرد من می‌‌گفتم ارکع و لایجوز الایماء‌ الی الرکوع اما اگر در صورت دوم فرض می‌‌کنید انحناء مختصر است که عرف به این رکوع نمی‌گوید، این‌جا وظیفه‌تان منتقل می‌‌شود به ایماء. که انصافا مطلب درستی هم هست چون من لایتمکن من الرکوع یؤمی الی الرکوع.

[سؤال: ... جواب:] در جایی که متمکن از رکوع نیست چکار بکند؟ ایماء‌ هم نکند؟ روایات داریم که متمکن از رکوع عرفی هم نیست در این صورت دوم. ما که اشکال کردیم و دقت نمی‌کنید در جایی است که متمکن از رکوع عرفی بود متمکن از رعایت شرط رکوع نبود که انحناء تام است، آن‌جا می‌‌گفتیم چرا رکوع عرفی نکند، صورت دوم فرض این است که اصلا متمکن از رکوع عرفی نیست انحناء است اما این انحناء رکوع عرفی نیست. کسی که متمکن از رکوع نیست وظیفه‌اش ایماء است دیگر.

[سؤال: ... جواب:] حضرت آقا! رکوع نکند، کله ملق بزند؟‌ چکار کند خب؟ می‌‌گویید انحناء‌ ممکن نیست به مقداری که رکوع صدق کند. ... کسی که متمکن از رکوع عرفی نیست متمکن از سجود عرفی نیست که این از مسلمات روایات است که نوبت می‌‌رسد به ایماء. ... راجع به عریان‌ که گفت رکوع نکند ایماء ‌بکند به رکوع، این متمکن از انحناء یسیر که هست، انحناء یسیر مگر چیست؟ پنج سانت کج می‌‌شود. ببینید بحث در این است: کسی که متمکن از رکوع نیست ولی متمکن از انحنائی که لایصدق علیه الرکوع است، کلام در این است: این شخص که متمکن از رکوع نیست، یا باید رکوع بکند، ‌اگر رکوع نمی‌تواند بکند مفاد روایات این است که ایماء‌ بدل اضطراری رکوع است. ... حداقل این است که قول مشهور که می‌‌گویند ینحنی که اطلاقش می‌‌گوید ینحنی و لو لم یصدق علیه الرکوع این قطعا درست نیست. ... وقتی رکوع ممکن نبود، کلام در این است که ما از روایات در صلات عاریا صلات مریض که لایقدر علی الرکوع و السجود فهمیدیم یؤمی، فهمیدیم ایماء‌ می‌‌کند بدل رکوع و سجود، ‌این را از روایات چه در صلات عاریا چه صلات مریض که الذی لایقدر علی القیام و لا الرکوع و لا السجود، ‌خب نگفت که انحناء به قدر ممکن و لو لایصدق علیه الرکوع‌، ‌گفت یؤمی ایماءا.

[سؤال: ... جواب:] فعلا فرض این است:‌ دوران امر است بین انحناء در حال قیام بدون صدق رکوع و بین ایماء، ‌دوران امر است بین این دو چیز ما می‌‌گوییم این‌جا متعین می‌‌شود ایماء.

[سؤال: ... جواب:] گفتم: سید و این‌ها به قاعده میسور تمسک می‌‌کنند می‌‌گویند المیسور لایسقط بالمعسور، ‌اقرب الی الرکوع انحناء است و لو صدق رکوع نکند، خب قاعده میسور نه کبرویا درست است و نه صغرویا بر این‌جا منطبق است چون ما لیس برکوع میسور از رکوع نیست. و لذا طبق ادله ایماء‌ می‌‌کند. ... ظاهرش این است که قاعده میسور را تطبیق کرده در فقه.

صورت سوم این است که سه امر در مقابلش هست، ‌دوران امر است بین رکوع قیامی ناقص، رکوع هست ولی رکوع واجد شرط انحناء تام نیست. این یک راه. یا این کار را می‌‌تواند بکند یا رکوع جلوسی بکن رکوع تام، اگر بنشیند رکوع جلوسی بکند رکوعش تام است، یعنی چی؟ یعنی صورتش روبروی زانوانش می‌‌تواند قرار بگیرد که بعضی‌ها گفتند رکوع جلوسی تام این است: اگر بتوانید در حال جلوس رکوع می‌‌کنید باید صورت‌تان مقابل زانوان‌تان باشد که صاحب عروه هم همین را گفته. این آقا می‌‌گوید من اگر قیام کنم رکوعم ناقص است ولی اگر جلوس بکنم رکوع تام جلوسی می‌‌توانم بجا بیاورم، ‌ایماء هم می‌‌توانم بکنم، ‌کدام‌ها را انتخاب بکنم. سه شق یعنی ثلاثی است در این صورت ثالثه، دوران امر بین سه چیز است.

قول مشهور که صاحب عروه او را قبول کرده گفتند نه ایماء‌ نه رکوع جلوسی تام بلکه رکوع ناقص قیامی. قول مشهور این است، ‌تمسک هم کردند به قاعده میسور. که ما اشکال کردیم.

[سؤال: ... جواب:] تصریح می‌‌کند، نه تنها مد نظرش در نیتش این بوده بلکه تصریح می‌‌کند می‌‌گوید اذا لم یتمکن من الانحناء علی الوجه المذکور اتی بالمقدار الممکن و لاینتقل الی الجلوس، و ان تمکن من الرکوع من الجلوس، و لو متمکن از رکوع جلوسی تام هست.

این هم نظر صاحب عروه در این صورت سوم.

نظر آقای سیستانی هم معلوم است، می‌‌گوید رکوع ناقص قیامی. شرط صاحب عروه هم که انحنی بالمقدار الممکن لازم نیست رعایت بشود. چرا؟ برای این‌که یا ایها الذین ارکعوا نسبت به شخصی که متمکن از قیام است می‌‌گوید رکوع قیامی بکن و تا می‌‌توانی رکوع قیامی بکنی نوبت به ایماء نمی‌رسد.

آقای خوئی و صاحب جواهر می‌‌گویند باید ایماء بکنی نه رکوع ناقص قیامی نه رکوع تام جلوسی، شما قادر بر قیام هستی، ‌قادر بر رکوع تام قیامی نیستی، ‌مبادا بروی سراغ رکوع جلوسی تام، او وظیفه تو نیست او وظیفه مریض است که لایتمکن من القیام. پس چکار کنم؟ شارع گفته من لایتمکن من الرکوع البته رکوع متناسب با خود این شخص که رکوع قیامی است، ‌یؤمی ایماءا. این هم قول صاحب جواهر و آقای خوئی هست.

[سؤال: ... جواب:] قادر بر رکوع مطلوب از خودش نیست، رکوع مطلوب از او چیست؟ رکوع عن قیام رکوعا واجدا للشرائط. این‌جور گفته صاحب جواهر و آقای خوئی. و لذا می‌‌شود وظیفه‌اش ایماء.

ما به نظرمان در این‌جا حق با آقای سیستانی می‌‌تواند باشد. چرا؟ برای این‌که یا ایها الذین آمنوا ارکعوا می‌‌گوید ایماء‌ الی الرکوع که رکوع نیست، ‌پس او را بگذار کنار، آن احتمال ایماء می‌‌رود کنار، امر دائر می‌‌شود بین رکوع ناقص قیامی و رکوع تام جلوسی. اذا قوی فلیقم اذا قوی فلیصل قائما می‌‌گوید کسی که توانایی قیام دارد باید نماز ایستاده بخواند یعنی اگر می‌‌تواند رکوع ایستاده بکند باید رکوع ایستاده بکند‌ ظاهرش این است. حالا عاجزی از شرط آن مضطر می‌‌شود به ترک شرط و این شرط هم سنت است فریضه که نیست نماز باطل نمی‌شود با ترک این شرط.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است: این آقا ایستاده نماز می‌‌خواند، ‌برای چی قرائتش را نشسته بخواند، ‌این آقا ایستاده نماز می‌‌خواند رسیده به رکوع می‌‌گوید یا باید رکوع ناقص قیامی بکنم یا بنشینم رکوع تام جلوسی بکنم یا ایماء‌ بکنم، ‌بعید نیست که این وظیفه‌اش رکوع ناقص قیامی باشد نه رکوع تام جلوسی و نه ایماء.

[سؤال: ... جواب:] بحث تزاحم نیست بحث این است که اذا قوی فلیقم می‌‌گوید شما وظیفه‌ات چون قادر بر قیامی رکوع عن قیام است، شرط آن‌ که انحناء تام است ممکن نیست، شما مضطری به ترک شرط آن. این بعید نیست. و لو مقتضای احتیاط این است که دو تا نماز بخواند، هم رکوع ناقص ایمائی بکند یک بار، ‌یک بار دیگر نماز بخواند با رکوع تام جلوسی. اما ایماء ‌به نظر ما لازم نیست.

این‌که صاحب جواهر می‌‌گوید: نه، رکوع ناقص قیامی که فاقد شرط است، او هیچ، رکوع تام جلوسی هم برای مریض است، این‌که مریض نیست، و قیام بعد الرکوعش این می‌‌شود، ‌قیام بعد الرکوعش مفقود می‌‌شود و لذا وظیفه‌اش ایماء‌است جواب فرمایش ایشان هم روشن شد

اما بقیه صور ان‌شاءالله روز شنبه.

و الحمد لله رب العالمین.